

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ولادیمیر زویف - (Vladimir ZOUEV)

برگردان از: ا. م. شیر

۲۴ دسمبر ۲۰۱۷

در چهلمین روز پس از شروع جنگ

در ماه جون سال ۱۹۴۱ خبرنگار عکاسی مجله امریکائی "لایف" (زندگی) مارگارت بورک وایت به مسکو آمد. سفر او با تخلف المان از معاهده عدم تجاوز همزمان بود. او تنها عکاس خارجی بود، که هنگام شروع جنگ کبیر میهنی در مسکو حضور داشت. این اولین سفر مارگارت بورک به مسکو نبود.

در سالهای ۳۰ مارگارت از اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی - کشور به سرعت در حال صنعتی شدن دیدن کرده بود، به او اجازه عکس گرفتن از کارخانه‌های در دست احداث داده شده بود. از این رو، وی اولین عکاس غربی بود که اجازه رسمی کار در کشور شوروا را دریافت کرد و سپس، از طرف مجله لایف به عنوان عکاس به کار دعوت گردید.

اما حالا، با ورود جنگ به خاک اتحاد شوروی، قاعده عکس گرفتن در مسکو بشدت سخت گردیده و برای عکاسی غیرمجاز و همینطور، برای دوربین غیرمجاز محاکمه در دادگاه پیش‌بینی شده بود.

اما مارگارت اجازه عکاسی اخذ نمود. به وی برای عکس گرفتن به مجله معتبر امریکائی عملاً اختیار کامل داده شده بود. اقامت مارگارت بورک وایت در اتحاد شوروی دو ماه به طول انجامید. او در این مدت عکس‌های واقعاً منحصر به فردی گرفته بود (تعدادی از عکس‌ها در این نشانی <http://gorod.tomsk.ru/index-1229582779.php>).

عصر روز ۳۱ جولای سال ۱۹۴۱ ستاره اقبال او به عنوان عکاس درخشید. برای اولین بار در تاریخ اتحاد شوروی به یک خبرنگار خارجی از یک کشور سرمایه‌داری نه تنها اجازه ورود به اتاق کار معمائی‌ترین رهبر از دید غرب، حتی، اجازه عکس گرفتن از وی در این لحظات دشوار، در چنین فضای ناهنجار داده شد. این عکاس توانست همه آنچه را در وجود ستالین احساس کند و درک نماید، که کمتر کسی قادر به دیدن آنها بود.

در اواسط ماه جولای سال ۱۹۴۱ در جبهه‌ها اوضاع برای ارتش اتحاد شوروی همچنان نامساعد بود. عملیات جنگی در ۱۲۰ کیلومتری لنینگراد، در مناطق سمولنسک و مشرف به کنیف ادامه داشت. دشمن برای تصرف این دو مرکز اداری خطر مستقیم ایجاد کرده بود. نیروهای اتحاد شوروی متحمل تلفات جدی می‌شدند، به سازماندهی مجدد و تکمیل پرسنلی و تسلیحاتی خود نیاز داشتند. در همین حال، مشخص گردید، که صنایع به علت شروع انتقال بسیاری از

مؤسسات از مناطق خطرناک به شرق کشور در آینده نزدیک نمی‌توانند نیازمندی‌های رو به افزایش نیروهای مسلح را تأمین نمایند...

انگلیس‌ها و امریکائی‌ها در ماه‌های اول جنگ، بدون ارائه کمک واقعی به اتحاد شوروی، اوضاع جبهه‌های جنگ اتحاد شوروی و آلمان را به دقت زیر نظر داشتند. شایان ذکر است، که در این کشورها نیروهای متنفذی با این دیدگاه وجود داشتند که بگذار آلمان و اتحاد شوروی درگیر جنگ شوند و تا زمانی که آنها همدیگر را کاملاً تضعیف می‌کنند، باید منتظر بود و سپس می‌توان شرایط خود را به آنها دیکته کرد.

در ماه جون سال ۱۹۴۱، در روزهای اول جنگ کبیر میهنی، کمیسر امور خارجه، **ویچسلاو مولوتف** سه بار با **کریپس**، سفیر انگلیس در اتحاد شوروی ملاقات و مذاکره کرد. در نتیجه کار آنها در روز ۱۲ جولای تفاهنامه بین دولت اتحاد شوروی و بریتانیای کبیر دایر بر اقدام مشترک در جنگ علیه آلمان امضاء شد. اما تا کمک واقعی انگلستان به اتحاد شوروی هنوز فاصله زیادی در پیش بود. زیرا، کارشناسان نظامی در لندن با تعیین پنج-شش هفته زمان برای تارومار شدن کامل ارتش سرخ کارگران و دهقانان، بر این تصور بودند، که اتحاد شوروی نمی‌تواند مدت زیادی در مقابل ارتش آلمان مقاومت کند.

امریکائی‌ها هم برآورد مشابهی داشتند. با این تفاوت که کارشناسان نظامی امریکا مدت باز هم کمتری را برای مقاومت روسیه در مقابل تجاوز تعیین می‌نمودند. رئیس جمهور **فرانکلین دلانو روزولت** این ارزیابی را غیرقابل باور تلقی می‌کرد. او برای کسب اطلاعات از دست اول تلاش می‌نمود. از این رو، هیأتی را به سرپرستی نماینده و دوست شخصی خود، **هری هاپکینز** به اتحاد شوروی فرستاد.

بعد از ظهر روز ۲۸ ماه جون سال ۱۹۴۱ هاپکینز به مسکو رسید و عصر همان روز با ستالین ملاقات کرد. نماینده روزولت در این دیدار به اطلاع فرمانده کل قواء رساند، که رئیس جمهور امریکا بر این باور است که "هیچ چیزی مهمتر از پیروزی بر هیتلر و هیتلریزم وجود ندارد" و ایالات متحده امریکا آماده است تمامی کمکهای ممکن به اتحاد شوروی را در کوتاهترین مدت عرضه نماید.

در جریان مذاکره ها اولویت‌های این کمک‌ها، به ویژه، در زمینه عرضه تسلیحات ضد هوایی، مسلسل‌های کالیبر بزرگ و تفنگ مشخص شد. چشم‌انداز تحویل نیز با احتساب طولانی شدن جنگ تعیین گردید (به ویژه، در خصوص تحویل بنزین با اکتان بالا و آلومینیوم برای ساخت هواپیما). علاوه بر این، موضوع تحویل خود هواپیماها، مقدم بر همه، بمب‌افکن مورد مذاکره قرار گرفت.

ستالین به هاپکینز اطمینان داد، که اتحاد شوروی پایدار است؛ و در عین حال، او از اعلان جنگ ایالات متحده امریکا علیه آلمان و باز کردن جبهه دوم استقبال می‌کند.

هاپکینز پس از آشنائی با موقعیت در محل، مذاکرات خود با رهبر اتحاد شوروی را بسیار مثبت توصیف نمود و در کمال قاطعیت اظهار اطمینان کرد، که هیتلر موفق نخواهد شد. رئیس جمهور روزولت مطمئن گردید که، اتحاد شوروی برای نبرد با آلمان تا پیروزی آماده است.

گزارش هاپکینز به رئیس جمهور و دولت امریکا نقش بسیار مثبت در شکل‌گیری سیاست ضد هیتلری پیگیر دولت فرانکلین روزولت و سازماندهی عرضه منظم کمک‌های نظامی آن به اتحاد شوروی ایفاء کرد.

مأموریت هاپکینز تأثیر مطلوبی در همکاری سه جانبه ضد فاشیستی گذاشت. ۲ اگست سال ۱۹۴۱ بین اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا تبادل یادداشت صورت گرفت؛ طرف امریکائی تصمیم دولت امریکا مبنی بر عرضه کمک‌های ممکن اقتصادی به اتحاد شوروی را اعلام کرد.

در ماه اگست همان سال نیز انتشار عکس‌های گرفته شده توسط مارگارت بورک از زندگی کشور در حال نبرد اتحاد شوروی در مجله "لایف" آغاز شد. آمریکایی‌ها با چشم مارگارت انسان‌هایی را دیدند که مثل آنها، همه روزه به کارهای دشوار در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها مشغولند. آنها رهبر این کشور را در لباس ساده سربازی، با چشمان خسته دیدند، که از خردمندی و اعتماد به نفس آرام او بدرستی کار خود گواهی می‌داد.

این شخص، زاده یک خانواده کفاش بود، که به حکم سرنوشت و انقلاب در بالاترین نقطه هرم دولتی جای گرفت، اولین کشور کارگران و دهقانان در تاریخ جهان را رهبری کرد.

در سیمای او هیچ نشانه اهریمنی وجود نداشت، امریکا، هم به وی و هم به آن اطمینان داشت، که کشور تحت رهبری او قادر است طاعون فاشیسم شایع در اروپا و خطرناک برای قاره آمریکا را ریشه‌کن سازد.

او مثل حقیقت ساده بود و عزم راسخ برای پیروزی داشت. حادثه روی داده در جریان اولین دیدار وزیر امور خارجه انگلیس، آنتونی ایدن از اتحاد شوروی در ماه دسمبر سال ۱۹۴۱، هنگامی که موجودیت کشور شوراهای به حادثترین مسأله تبدیل شده بود، گواه این مدعاست. وزیر انگلیس هنگام ملاقات با ستالین اظهار عقیده نمود، که مبارزه با آلمان در جبهه‌های جنگ شوروی و آلمان بسیار سخت و طولانی خواهد بود.

– او افزود، زیرا هنوز هم هیتلر در اطراف مسکو می‌جنگد و تا برلین راه زیادی در پیش است.

ستالین به آرامی اظهار داشت: مهم نیست. روس‌ها تا کنون دو بار به برلین رسیده‌اند. بار سوم هم خواهند رسید. و حوادث بعدی صحت اظهارات یوسف ویساریونویچ ستالین را ثابت کردند.

شکست‌های مراحل آغازین جنگ نتوانست روحیه ظفرنمون ارتش سرخ و خلق‌های اتحاد شوروی را بشکند. این عدم موفقیت‌ها به هیچ وجه قابل مقایسه با شکست‌های متحمل‌ه طی چند هفته در پلند، فرانسه و سایر کشورهای اروپائی نبود. اتحاد شوروی مجبور شد مدت طولانی نه فقط علیه آلمان فاشیستی، حتی علیه اقمار یازده‌گانه آن به تنهایی مبارزه کند. علیه قدرت نظامی و اقتصادی آنها مبارزه نماید. اما کشور تحت رهبری یوسف ستالین دوام آورد!

سیاست امریکا و انگلیس در روند جنگ، آمادگی سرباز اتحاد شوروی برای نبرد با فاشیسم تا پیروزی را به نمایش می‌گذاشت.

فقط در ۶ جولای سال ۱۹۴۴، یازده ماه قبل از پیروزی، انگلیس و امریکا جبهه دوم را باز کردند. هیتلر بر تفاوت‌های ملی و دینی خلق‌های اتحاد شوروی امیدوار بود. اما اتحاد شوروی یکپارچه بود و همه خلق‌های کشور از میهن سوسیالیستی خود با رشادت دفاع می‌کردند.

کشور شوراهای به طرز شایسته از سهم شخصی ستالین در پیروزی قدردانی کرد. او لایق عنوان قهرمان اتحاد شوروی، دریافت دو مدال "پیروزی" و نشان درجه یک **سوروف** بود.

۲۷ جون سال ۱۹۴۵ ستالین به دریافت عالی‌ترین درجه نظامی "ژنرال‌یسیموس اتحاد شوروی" مفتخر گردید.

مارگارت بورک وایت به فعالیت‌های حرفه‌ای خود ادامه داد و اگر او در سال ۱۹۴۱ اولین عکاس غربی در حریم اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی بود، در سال ۱۹۴۳ به عنوان اولین زن گزارشگر جنگی در نیروی هوایی امریکا مأوریت یافت. آن کشتی که او با آن در حال رفتن به شمال افریقا بود، مورد حمله اژدر قرار گرفت، اما مارگارت زنده ماند و با حضور خود در این قاره، در پروازهای جنگی بمب‌افکن‌های امریکا شرکت کرد. بعدها او کارزار ایتالیا و آزادی زندانیان **بوخنوالد** را مستند کرد. پس از جنگ از آفریقای جنوبی، هند، کوریا و جاپان گزارش می‌داد.

مارگارت بورک وایت مثل اغلب عکاسان (نه تنها در چنین مورد مشهور)، آماده بود برای موفقیت به هر کاری دست بزند. یک بار در هند همین که او از مهاتما گاندی وداع کرد و برای خروج از کشور آماده می‌شد، به وی اطلاع دادند، که او کشته شد. بی‌درنگ به خانه گاندی برگشت، که خویشان و نزدیکانش در آنجا جمع شده بودند و به مناسبات حسنه مارگارت با گاندی آگاهی داشتند. از وی دعوت می‌کنند "همردی" خود را به شرط نگرفتن عکس بیان نماید. اما قبول این درخواست خارج از توان او بود. بورک وایت دوربین خود را همراه می‌آورد و عکس می‌گیرد، و پس از آن وی را بسادگی بیرون می‌اندازند. او بدون کمترین آزردهی، برای برگشتن به داخل خانه سعی می‌کند.

یک بار دیگر، هنگام جنگ کوریا، او صحنه اعدام اسیر کوریای شمالی را مشاهده می‌کرد. خود لحظه اعدام را ثبت نکرد، اما پس از اعدام سر بریده را با یک دست بلند کرد و با دست دیگر از آن عکس گرفت. عکس سر بریده در روی دست در متن تصویر جلاد متبسم تیر به دست.

اما، شاید، بالاتر از همه در این تصویر خود مارگارت بورک وایت باشد که برای عکس گرفتن از قتل وحشیانه کمونیست‌ها - شمالی‌ها به کوریا اعزام شده بود. او شهامت آن را داشت، همه آنچه را که از وی می‌خواستند، نشان ندهد. و شاید، مسأله در "بی‌روحي" دوربین عکاسی هم نبوده، بلکه، در شهامت و کار حرفه‌ای آن (به سخن دقیق‌تر، وی) بوده باشد؟

در سال ۱۹۵۳ اولین علائم بیماری پارکینسون (لرزش دست و پا. می‌ترجم) را در وجود بورک وایت تشخیص دادند. مبارزه با بیماری مارگارت را به تعلیق موقت کار خود وادار نمود. در سال‌های ۱۹۵۹ و ۱۹۶۱ متحمل چند عمل جراحی شد، که به رغم تأثیر مثبت در تحرک وی، در تکلم او تأثیر منفی گذاشتند. متأسفانه، این به طور کلی در طول دوره بیماری او تأثیری نداشت. در سال ۱۹۷۱ مارگارت درگذشت.

۲۱ دسمبر ۱۳۸ سال از ولادت یوسف ویساریونویچ ستالین گذشت.

تاریخ، آموزگار بسیار سخت‌گیری است. و فقط فرزندان ناسپاس می‌توانند گذشته خود را نفرین کنند. اما [نام] ستالین، همچون دیگر شخصیت‌ها - ولادیمیر کبیر، ایوان گروزی، پتر اول و ولادیمیر لنین - در صفحه سرخ تاریخ ما ثبت شده است.

۱۳۹۶/۱۰/۲

<http://www.sovross.ru/articles/1641/37153>